



برگذاری دومین جلسه مشورتی احزاب و جریان های سیاسی



که شرکت ورزیده بودند ذیل ذکر می شود:

۱- محترم سید محمد علی جاوید رهبر حزب حرکت اسلامی آزاد افغانستان.

۲- محترم عبدالغنی کاظمی رئیس حزب حرکت اسلامی افغانستان.

۳- محترم سید هادی رهبر حزب حرکت اسلامی ملت افغانستان.

۴- محترم دکتر سید ابراهیم کامل رئیس حزب حرکت اسلامی ثبات افغانستان.

۵- محترم الحاج جواد محسنی صاحب امتیاز ارشد دانشگاه خاتم النبیین (ص) و رئیس موسسه حفظ و نشر آثار

روز چهار شنبه مورخ ۱۳۹۹ / ۷ / ۳۰ دسته از رؤسای احزاب و جریان های سیاسی در دفتر مرکزی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان حضور بهم رسانیدند. آنها در رابطه با وضعیت جاری کشور، با هم مباحثه و گفتگو نمودند. چالش های که فراروی وضعیت سیاسی-امنیتی کشور است بر شمرده و به یک سازوکاری برای رهایی از این بن بست سیاسی-امنیتی توافق نمودند و حاصل همه بررسی ها این بود که نسبت به تمامیت ارضی و منافع ملی مان احساس مسئولیت کرده و برای بهبودی وضعیت سیاسی تلاش های جدی بعمل آوریم و افرادی

حضرت آیت الله العظمی محسنی (ره).

۶- محترم سید ظاهر مسرور معاون حزب حرکت اسلامی آزاد افغانستان.

۷- محترم سعیدی نماینده حزب حرکت اسلامی مردم افغانستان.

۸- محترم سید حسین هادی استاد دانشگاه.

۹- محترم سید شاه جهان احمدی معاون حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان.

۱۰- محترم ابوالحسین یاسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان.

ریاست امور فرهنگی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

چه کسانی باید به میدان بایند؟

فرهاد محض یار



حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بایند؟ قدر مسلم، نخبگان فکری اند؛ یعنی شما افسران جوان جبهه مقابل به جنگ نرمید.

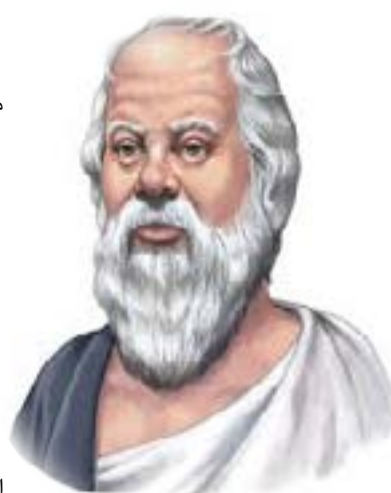
دشمن می خواهد جوان نسبت به مبانی اعتقادی و اصول، ارزش ها و بنیادهای فکری دچار تردید شوند و با ایجاد علامت سؤال، آنان را نسبت به پیشینه تاریخی و فرهنگ اصیل تفکر محمدی علیه استکبار به شک بیندازد. جوانان جامعه ما در مقطع حساس کنونی کشور، در معرض خطرناک ترین تهاجم های دشمنان در طول تاریخ بشریت هستند و چنین شرایطی، هوشمندی جوانان را می طلبد تا از این پل شیطانی با سربندی عبور کنند. این پل شیطانی به طرق مختلف در پیش پای جوانان قرار می گیرد و مسیر آن سراسر فریبکاری شیطان است و تمام هدف آن دور کردن جوان از انسانیت است و انسان را به معنای واقعی خود استحاله می کند.

دشمن با استحاله فکری و روحی جوانان، خواهان تبدیل انسان ها به افرادی مادی گرا و پوچ است تا هرچه از او خواست بی کم و کاست انجام دهند و مشکل مهم در این زمینه، مشکل ابهام در جریانات و عملکردهاست. جوان، به طور طبیعی روشن فکر است؛ یعنی جزو گروه های روشن فکر قهری است و نسبت به اوضاع جاری کشور، صاحب نظر و صاحب فکر و صاحب عقیده است و

ادامه ص ۳

سقراط چگونه شهروندی بود؟

نویسنده: جوزایا اوبر
ترجمه: وب سایت ترجمان



مقام حکومتی به خاطر کارهای آنان در دوران کوتاه حکومت نظامیان ممنوع شود. به نظر می رسید این پیمان، سخنان پیشین سقراط را دربرمی گرفت. هرچند این سخنان زیان بار بوده باشد.

اما چیز دیگری که تا سال ۳۹۹ ق.م تغییر نکرده بود برداشت سقراط از وظیفه خود بود:

او به پروژه نیش زنی عمومی خویش از طریق گفت وگوهای عمومی ادامه داد. کارهای جاری، که دموکراسی تازه احیا شده را به خطر می انداختند، از عفو برخوردار نمی شدند. بنا بر دیدگاه آتنی ها درباره مسئولیت مدنی، سقراط باید پیامدهای سخنرانی عمومی خود را بپذیرد. به نظر می رسید سخنان فاخر او درباره فلسفه و کوچک شمردن خرد دموکراتیک به حکومتی استبدادی کمک کرده است. باتوجه به این مسئله، او باید به عنوان یک شهروند خوب از ادامه این کار دست می کشید. سقراط برداشت دیگری از وظایف خود داشت. او بر این باور خود پافشاری می کرد: اینکه از مردم بخواهیم خویش را بهتر بشناسند، تنها می تواند به خبر و خوبی منجر شود. کارهای شریانه نزدیکان پیشین وی باید از علل دیگری سرچشمه گرفته باشد، عللی جدا از مأموریت او برای فلسفه ورزی

بخش سوم

سخنرانی عمومی سقراط از نوع متفاوتی بود: او سیاست های خاصی را تبلیغ نمی کرد و در خیابان ها سخنرانی می کرد، نه در مجمع. اما سخنان او سخنرانی مدنی بود، بدان معنا که در فضای عمومی انجام می شد. سخنان او درباره مسائل بود که از اهمیت عمومی برخوردار بود و هدف آن تغییر جامعه بود. در آغاز، آثار فلسفه ورزی سقراط آشکار نبود. اما پس از سرنگونی حکومت ضد دموکراتیک، که رهبری آن را نزدیکان سقراط بر عهده داشتند، آتنی ها دریافتند که دیگر به خوبی می دانند پیامدهای سخنان او چیست. با وجود این، آن ها به او آسیب نرسانند: در سال ۴۰۳ ق.م و در پی تجدید حیات دموکراتیک، یک پیمان عفو موجب شد تعقیب قضایی شهروندان عادی و فاقد

ادامه ص ۲

بررسی استراتژی های دودبه اخیر آمریکا در افغانستان

بخش آخر
۲-۴ هند

زهر احمدودی

از نگاه هند، افغانستان در حوزه جنوب آسیا واقع شده و به دلیل هم پوشانی تحولات آن، به ویژه بحث افراط گرایی، تروریسم و حضور نیروهای خارجی و مداخله کشورهای ثانوی، این کشور اهمیت زیادی برای دهلی نو دارد. با اعلام

استراتژی دولت ترامپ در قبال افغانستان در سال ۲۰۱۶ و دعوت از هند جهت نقش آفرینی بیشتر در افغانستان، احتمال افزایش جایگاه هند در افغانستان را فراهم کرد اما فرآیند مذاکره با طالبان، امضای توافق نامه صلح و پذیرش نقش این گروه در افغانستان از جانب آمریکا چندان به مذاق هند خوش نیامد؛ چرا که اولاً خروج آمریکا از افغانستان باعث تضعیف سرمایه گذاری راهبردی هند در افغانستان خواهد شد. ثانیاً؛ هند از پیشینه و عمق روابط طالبان با پاکستان و تأثیر منفی قدرت یابی این گروه در افغانستان بر امنیت هند و نفوذ شبه نظامیان و حملات آنها در کشمیر آگاه است. به همین دلیل هند از روند روی کار آمدن طالبان در عرصه رسمی قدرت افغانستان خشنود نیست. در ضمن، با توجه به موضوعاتی مانند پیشینه همکاری هند با نیروهای جبهه شمال برای مبارزه با طالبان در گذشته، احتمال به حاشیه رانده شدن متحدان هند در افغانستان با توجه به ویژگی تمامیت خواهی طالبان، تأثیر پاکستان بر برنامه و اقدامات طالبان در دوران پسامذاکرات، روابط طالبان با سایر گروه های تروریستی ضد هندی مانند لشکر طیبه و... احتمال بهبود و تعمیق روابط میان هند و طالبان کم است. خلیل زاد اخیراً با وزیر امور خارجه هند درخصوص پرونده صلح افغانستان گفتگو کرد و از مشارکت هند در تلاش های منطقه ای و بین المللی برای صلح پایدار در افغانستان استقبال نمود. مشخص است که آمریکا می خواهد در قالب شریک سازی کشورهای منطقه در خصوص قسمتی از فرآیند صلح در افغانستان، از نفوذ هند بر برخی سیاستمداران افغان استفاده کند تا از این طریق به حل بحران سیاسی موجود درکابل و تشکیل یک حکومت همه شمول اقدام نماید. دهلی نو نیز با توجه به هم گرایی با دولت کنونی کابل و اهمیت حفظ منافع آن در جریان مذاکرات بین الافغانی تلاش خواهد کرد که بحران سیاسی موجود طوری حل شود که به تضعیف دولت کابل و تقویت بیش از پیش طالبان منجر نشود.

۳-۴ ایران

همسایگی ایران و افغانستان باعث شده است که تحولات مثبت یا منفی در افغانستان بر ایران تأثیر بگذارد. ثبات، صلح و توسعه افغانستان به نفع ایران است. هر چه

ادامه ص ۴



اداره حاما

وقتی به فرهنگ های لغت رجوع نماییم اکثرأ به معانی شبیه بر میخوریم و در ترجمه که از این کلمه صورت گرفته چندان تفاوتی به نظر نمی رسد، و در مجموع در می یابیم که استقلال یعنی: خود اتکایی، نفی حکومت های بیگانه، مستقل بودن، عدم وابستگی، آزاد بودن در تصمیم گیری و... استقلال بازتاب حاکمیت ملی در ابعاد مختلف خارجی و داخلی میباشد، همانگونه که در بحث تشکیل دولت میخوانیم که دولت باید دارای چهار شرط اساسی باشد (جمعیت، سرزمین، قدرت سیاسی و حاکمیت ملی) استقلال نیز بستگی به این امر داشته و مهمتر از همه لازمه داشتن استقلال حاکمیت ملی است و بدون حاکمیت ملی استقلال و موجودیتش را میتوان کاملاً سوال برانگیز پنداشت.

وجود و یا عدم استقلال را اگر به بررسی بگیریم باید از ابعاد گوناگون مثل استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به آن نگاه کنیم. اما در این نوشتار تصمیم ما این است که استقلال را در یک مفهوم کلی و بناچار بامختصر عطفی پیرامون مسایل سیاسی در حیطه کشور خود ما افغانستان به بررسی بگیریم، البته تا آنجا که ظرفیت و گنجایش مطلب در مجله ما اجازه میدهد.

نخست نگاه مختصری می اندازیم به دوره های قبل از اعلان استقلال از سلطه انگلیس و بعد از اعلان استقلال توسط شاه امان الله خان. قبل از اعلان استقلال:

اگر توجه را به سه قرن اخیر معطوف بداریم، در می یابیم که نخستین کسی که در این دوره مبارزه استقلال طلبی را آغاز و کشور را از سلطه استعماری خارجی ها نجات داده و به تشکیل حکومت مستقل پرداخت میرویس خان هوتکی بود.

اما هوس بازی های پسرش شاه محمود بازهم یک دوره رکود را به افغانستان تحمیل کرد، بی کفایتی های او و شاه اشرف پسر عمویش افغانستان را در معرض تجاوز مجدد قرار داد. و این بار کشور دچار اختلافات و خانه جنگی های که همه از خارج سپورت می شد گردید. تا اینکه این خط توسط احمد شاه بابا شکست و افغانستان در عصر او به یکپارچگی مجدد دست یافت و حکومت خود را مستقلانه آغاز نمود.

ادامه ص ۳

شیرت و مردانگی آیین توست
عزت زن در حجاب دین توست
پر همه اعدام کن زن پرده نیست
پرده مردان تن پرورده نیست
خاتم توحید در انگشت تو
حق به پیش روی و حیدر پشت تو
ما تو را زهرای اظهر داده‌ایم
شیر مردی مثل حیدر داده‌ایم
ما تو را دادیم در بین همه
یک خدیجه یک ملی یک فاطمه...
«سید محسن احمد زاده»

دیده بگشایید چیریل آمده
مگه تا کی مرکز نا اهل‌هاست
پایمال چگمه پوچمل‌هاست
مگه دریای فروغ وحی شد
بت پرستان بت پرستی نشی شد
روژ، روز مرگ ظلم و ظالم است
بانگ نثرت مرد ، اثرا حاکم است
یا محمد منجی عالم تویی
این مبارک نامه را خاتم تویی
انبیا مشعل ز تو افروختند
وز دمت پیشمیری آموختند

نور شرت آمد از آیین‌هام
گیست در ثار حرای سینه‌ام
رگ رگم پیشام احمد می‌دهد
سینه‌ام پوی محمد می‌دهد
من سخن گویم ولی من نیستم
این منم یا او ندانم کیستم
چیرلیل امشب دم در نای من
قدسیان خوانند با آوای من
ای پتان گعبه در هم بگنید
با من امشب از محمد دم زنید
از هوا گلپانگ تحلیل آمده

دین اسلام؛ دین رحمت و بشارت

به مناسبت رحلت پیامبراکرم (ص)

سالروز رحلت پیامبراکرم «ص» را به جامعه اسلامی و به همی بشریت که موردخطاب پیام آن حضرت است، تسلیت عرض می‌کنم.
توفیق پیروی برای مسلمانان از این دین را خواسته/میخواهم.

خداوند متعال از حضرت محمد(ص)، پیامبر بزرگوارش تعبیر به رحمت للعالمین کرده است. یعنی، پیام و دین را که او آورده، رحمت برای بشریت است. بدین جهت در پیام آنحضرت رحمت، عدالت و عقلانیت بسیار موارد برجسته یادال های مرکزی شمرده میشود.

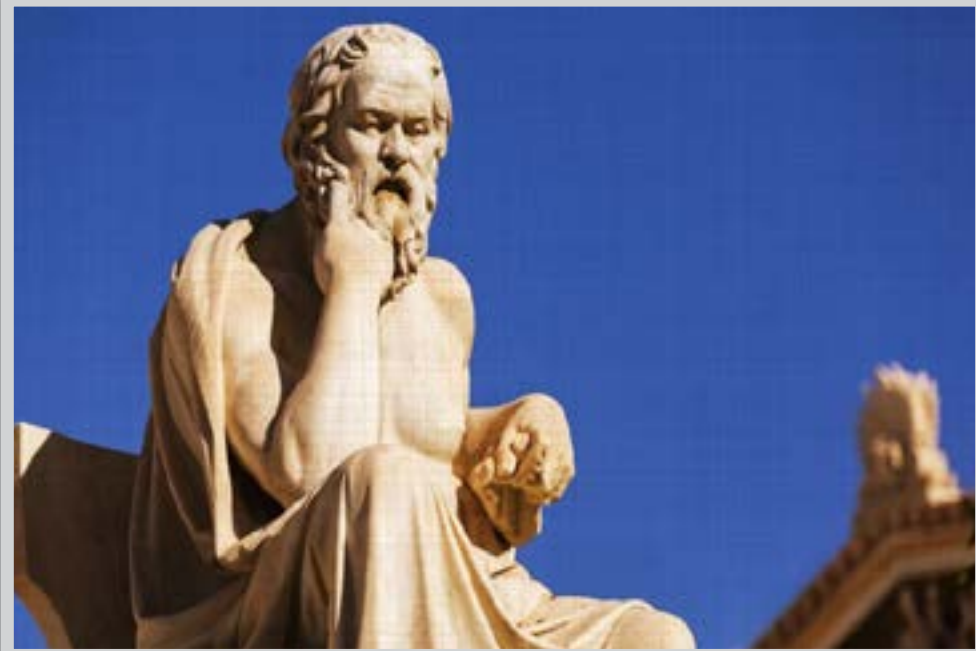
کسانی که افتخار پیروی از این دین مقدس را دارد؛ باید فهم شان را از دین بر رحمت، عدالت و عقلانیت مبتنی ساخته، از خبثوت، جهل و ستمگری اجتناب ورزند. دینداری که زندگی اش آکنده از خبثوت، جهل و نادانی باشد، ادعای دینداری او قابل خنده بوده و حتا دین ورزی او بیدشک کرد. زیرا کسی که پیرو کتابی باشد که آیات شان «ثغا» و «بدایت» است چگونه میتواند که برای انسان و هم نوع خودو خشت، حراس و نجوف ایجاد کند؟ مهم دینداری نیست مهم، دین فمی است که موجب رسگاری و نجات او گردد و نه باعث بدبختی و ثغوات او.

در سیره و سنت پیامبراکرم (ص) صلح و سازش جایگاه مهمی دارد. پیامبراکرم (ص) با بهیاری از اهل کتاب، میان صلح امضا کرده است. اکنون ما باید از همان آموزه های صلح و سازش آنحضرت(ص) درس بگیریم. در واقع با آموزه های صلح، میتوانیم زندگی دور از خبثوت، جنگ و بدبختی داشته باشیم. دین که آورنده ی آن رحمت للعالمین باشد، چگونه میتواند برای بشریت، مایه ی آدم کشی گردد؟ این دین، برای دیندار، قتل، ترور و نابودی، بمنفع او را فتوا دهد؟ در قرآن سخن از سلم، و دعوت به دین با حکمت و اندرز های حسد است. یعنی دین ملجا و پناهنگاه انسانها باشد. تعالیم اسلامی، موجب شود که انسان، خلق و خوی الهی گرفته(تخلیقا باخلق الله) و جامعه و بشریت را به خوبیا دعوت و از بدیها منی کند. چه بدی بدتر از قتل نفس خواهد بود؟

اکنون در آئنه ی صلح قرار داریم و روند صلح بین حکومت و گروه طالبان جریان دارد. پیام ما اینست که جنگ و خبثوت برخلاف طبیعت بشر است و چیزی که برخلاف طبیعت باشد، استمرار نخواهد داشت و از سوی دیگر، قرآن از علامت انسانهای فاسد، قتل نفس، تحریب مزارع، وحشت و ضربه های مملک اقتصادی را عنوان میکند. چه خیانت بدتر از این باشد که مسلمان بدست مسلمان و افغانهائی بدست افغانهائی کشته و قتل عام گردیده و موجب بدبختی یکدیگر شود؟!

برای جوامع اسلامی ایجاب میکند که با علل انسانی و اسلامی خود، معرّف اسلام به جهان باشیم. آنطور معرّف باشیم که، زیست دینی ما، بخوانی و شایستگی ادعای پیروی بودن مسلمانان را از قرآن داشته باشد. به عبارت دیگر، وقتی کسانی دیگر، مسلمانان را میبیند و خوبی عل و اندیشه ی اینها باعث شود که آنها گرایش به اسلام پیدا کنند. نه اینکه بواسطه علل ناهنجار جوامع اسلامی، پیروان ادیان دیگر، بدین به اسلام شود.

هنراوار است که پیروان قرآن با علل نیک خویش، معرّف اسلام گردیده و به جهان ثابت سازد که اسلام دین و حشّت، ترور، قتل و غارت نیست، بلکه دین رحمت و بشارت بوده و موجب هدایت و رسگاری بشر می شود. به امید روزی که مسلمان نمونه انسان مسلمان باشد.



سقراط، او دیگر فردی غیرعادی نبود که از توانایی کمک به زندگی اجتماعی برخوردار است؛ او اکنون یا دشمن بدخواه مردم بود یا متوهمی که به‌طرزی خطرناک از تشخیص این امر عاجز بود که سخن او، به‌طرزی پیش بینی پذیر ، نتایجی بسیار بد به بار می‌آورد. بدین‌ترتیب، راه برای ملتوس باز بود که سقراط را به پای میز محاکمه بکشاند. محاکمهٔ سقراط

از تعهد مدنی است که، علی‌رغم پایان غم‌انگیزش، نشان می‌دهد که دموکراسی عرصه را برای کارهای قهرمانانهٔ ژرف فراهم می‌کند.

امروزه، در قرن بیست‌ویکم، آزادی بیان به‌طور عمیقی با مسائل مربوط به هویت فردی و گروهی گره خورده است. در موقعیت کنونی ما، ژرف‌اندیشی دربارهٔ محوریتِ وظیفهٔ مدنی در محاکمهٔ سقراط از ارزشی واقعی برخوردار است، محاکمه‌ای که لحظه‌ای بنیادی در تاریخ آزادی اندیشه و کنش دموکراتیک است. هنگامی که ایدهٔ وظیفهٔ مدنی، آن‌چنان‌که در رابطهٔ بین سقراط و شهر دموکراتیک او تبلور یافته است، اهمیت خود را در اندیشه‌ها و کارهای ما از دست بدهد، چه چیزی را از دست خواهیم داد؟

پی‌نوشت‌ها:

این مطلب در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۶ با عنوان What kind of citizen was he در وب‌سایت ای‌افنتشر شده است و وب‌سایت ترجمان در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۵ این مطلب را با عنوان سقراط چگونه شهروندی بود؟ ترجمه و منتشر کرده است. جوزایا اوبر (Josiah Ober) استاد علوم‌سیاسی و ادبیات کلاسیک در دانشگاه استنفورد است. کتابظهور و سقوط یونان کلاسیک(۲۰۱۵) تازه‌ترین اثر اوست.

The Trial of Socrates.

Politics of Recognition به‌تعبیر چارلز تیلور، استاد فلسفهٔ سیاسی، «سیاستِ به‌رسمیت‌شناختن» به آن شاخه از سیاست‌ورزی معاصر گفته می‌شود که خواستار رسمیت و تأیید عمومی شاخصه‌هایی از وجود و هویت فردی یا جمعی است. این جریان سیاسی را می‌توان در جنبش‌های ملی‌گرا، در میان گروه‌های حاشیه‌ای یا اقلیت، در برخی انواع فمینیسم و در آنچه «چندفرهنگ‌گرایی» نامیده می‌شود دید.

Maximus of Tyre : صور شهری در جنوب لبنان است. (مترجم) Crito the wisdom of crowds Pericles: سیاست‌مدار و سخنان بزرگ آتنی. (مترجم) History of the Peloponnesian War: مجموعه جنگ‌هایی که از سال ۴۳۱ تا ۴۰۴ ق.م بین آتن و اسپارت رخ داد. (مترجم)

چه کسانی باید به میدان بیایند؟...

فرهاد محض یار



به سلاح فکر و عقیده مسلح شد هر جوان به خودی خود، یک شخصیت متنفذ اثر گذار در این میدان خواهد شد در غیر این صورت جوانان از دست ما می روند و این مسئله از کوتاهی و سهل انگاری ما خواهد بود. دشمن سعی دارد در متون دینی و واقعیت های موجود در جامعه ما به شکل بسیار ظریف و پیچیده تحریف به وجود آورد بنابراین می خواهد فطرت خداجوی جوانان را به سمت دلخواه خود سوق دهد بدون اینکه در این بین رد پایی از دست اندرکاران آن باقی بماند.

ایجاد یک فرهنگ موازی به ظاهر شبیه فرهنگ اصیل کشورمان از اهداف پلید دیگر دشمن است. آموزه هایی که فرهنگ دشمن دارد به هیچ وجه نمی تواند با سنت های رایج در کشورمان همخوانی داشته باشد. دشمن برای ترویج داده های فرهنگ غرب و همچنین ترویج بنیادهایی که این فرهنگ بر آن استوار است، مانند اومانیسم و ترویج فلورانس برنامه ریزی دقیق کرده است. دشمن از یک سو بنیادهای فرهنگی ما را مورد هجوم قرار می دهد و از سوی دیگر می خواهد فرهنگ مد نظر خودش را به وسیله تعمیق و ترویج بنیادهایی که فرهنگ غرب بر آن استوار است جایگزین فرهنگ غنی ما کند.

نباید این گونه باشد که بنشینیم و از خدا بخواهیم جوانانمان را در مقابل تهاجم فرهنگی حفظ کند بلکه باید در این عرصه با ابتکار و اندیشه وارد شویم و در عین حال بر خدا توکل کرده، از او توفیق پیروزی بخواهیم. لازمه چنین جنگی جهاد اکبر یا همان خودسازی است؛ در جنگ نرم باید به همین سلاح اتکا کنیم ضمن اینکه خودباوری و ابتکار عمل نیز لازمه های دیگر این میدان هستند. بهترین راهی که می تواند جوانان را از انحراف در امان نگاه دارد، تقویت پایه های تربیتی جوان در خانواده و آگاه کردن آنان از خطرات است.

همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرموده اند «شک پلکان یقین است» اگر جوانی شک کند و بجا و به موقع به پاسخ دست یابد به یقین می رسد اما همین شک، توقفگاه خطرناکی است البته باید زمینه ای را فراهم کرد تا هنگامی که جوان به دنبال رفع شبهات پیچیده امروزی می رود، گمراه نشود. علاوه بر اینکه خانواده ها باید این توانایی را در خودشان ایجاد کنند که به سؤالات فکری فرزندان شان به شایستگی پاسخ دهند، در ضمن مهمترین مسولیت تشکل های فرهنگی هم فراهم کردن خوراک فکری مناسب در درون اتاق های فکری این مجمع ها است

جوانان باید همچنان این هوشیاری را حفظ کرده و به دشمن اجازه هیچ گونه بهره برداری از موقعیت ها را ندهند. کار فرهنگی باید به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود بنابراین نیاز است در این خصوص یک جریان سازی قوی رسانه ای، هماهنگ و گسترده داشته باشیم تا بتوانیم ذهن جوان را در این زمینه فعال کنیم چرا که تا رسیدن به نقطه مطلوب فرسنگ ها فاصله است بنابراین اگر از امروز تا ۲۰ سال دیگر یک برنامه منسجم و هدفمند برای مقابله با اهداف دشمنان طراحی کنیم شاید بتوانیم به آن اهداف مطلوب فائق آییم در غیر این صورت کشور و جوان در آینده با بحران جدی مواجه خواهند شد.

می خواهد اظهار نظر بکند. جوان، به این قانع نیست که بگوید ما اینطور تشخیص داده ایم و می خواهیم عمل بکنیم. دانست و اظهار نظر او، با تعبد هم منافات ندارد. تعبد هم می کند، اما دلش می خواهد وجه این کاری را که به آن تعبد کرده است، بداند. اگر دانست، تدریجا دچار شبهه و ابهام می شود. این ابهام، او را حتی در نفس تعبد هم تضعیف می کند و تعبدش رفته رفته ضعیف می شود. جوانان، چون غالبا از جریانات هم بی خبراند و از بطون کارها اطلاع ندارند، چنانچه خبری در مقاله یا رسانه پخش شود، ذهنشان شروع به کار می کند. این در صورتی است که مؤثر خارجی هم نباشد؛ اگر باشد، که دیگر واویلاست!

با توجه به اینکه سن ۱۸ تا ۲۴ سالگی دوره جامعه پذیری است چنانچه جوان در این دوران به جامعه پذیری درستی دست نیافته باشد و در سرگردانی بین برنامه های ماهواره ها و ترفندهای دشمن قرار گیرد، احتمال جذب شدنش در فرقه ها و گروه های منحرف بسیار زیاد است جوانان امروز جامعه ما در یک مقطع تاریخ ساز بشریت ایستاده اند. استکبار علیه تورات، انجیل و قرآن قیام کرده و در واقع قصد دارد خدامحوری را کنار گذاشته و شیطان محوری را حاکم کند؛ حضور سربازان جنگ نرم در میدان نبرد سبب خواهد شد جوانان در دام های نرم افزاری دشمنان گرفتار نشوند.

قلب جوان قلبی پاک و مستعد است که هر چه در آن کاشته شود همان می روید. در جنگ نرم هر کس زودتر قلب



جوان

و نوجوان

را تسخیر کند

و آنچه که مورد نظرش

است در آن بکارد او در این جنگ پیروز شده است، پس نکته اول این است که باید تلاش و دقت داشته باشیم و قلب جوان را مخاطب خود قرار دهیم تا در کارزار جنگ نرم به تسخیر حریف درنیاید.

جوان در جنگ نرم نقش مظلومانه ای دارد و در بازار مکاره دنیا ابزاری شده است که هر کس توانست زودتر ذهن او را تصاحب کند پیروز می شود بنابراین کسانی که با جوانان کار می کنند باید بدانند که این فرصت طلایی است و باید از تمام امکانات استفاده شود تا ضمن بیان حق و حقیقت، قلب جوان را نیز تسخیر کنند.

هنگامی که این دو مرحله را به خوبی اجرا کردیم و جوان

استقلال!...

اداره حاما



عملی کردیا نه ؟ و آیا تا آخر به تعهدات خود پا بند بود یا نه ؟

اوراق تاریخ نشان میدهد که شاه جوان و دموکرات دیری نگذشت که دست به یک سلسله خشونت ها زده و تعدادی از مخالفین خود را به بهانه های واهی، از جمله در ارتباط با قتل پدرش، از بین برد که یک نمونه اش شهادت شاه علی رضا خان بود، و تاجیکه به قول خودش پوستان جدش عبدالرحمن جلاد تاریخ افغانستان را پوشیدنی شد. اگر چه او نسبت به خیلی از شاهان گذشته کار های مثبتی را انجام داده است ، رشد مکاتب، مطبوعات آزاد، اولین قانون اساسی کشور از دست آورد ها مثبت اوست ، اما روزی و روزگاری فرارسید که خود حتی مرز ممنوعیت دوزن داشتن را نیز شکست و در قسمت روابط خارجی اش خود اظهار داشت (مقصد من به هر نحوی که در ظاهر تعبیر گردد در واقع این است که اگر انگلستان موقع بدهد قدم به قدم به آن نزدیک شوم و تنها مناسبات حسن همجواری را با روسیه حفظ نمایم) (۱)

البته این درحالی است که دوستی او با روسیه پیشرفت های زیادی نموده بود و او نخستین پادشاه یک کشور اسلامی بود که حکومت کمونیستی روسها را بعد از آن همه قتل عام مسلمانان آسیای میانه به رسمیت شناخته بود. جمله بالا بیانگر این است که ایشان همچون پدران خود روابط با انگلیس را ترجیح میداده و صرف از احساسات ضد انگلیسی مردم برای تحکیم پایه های قدرت خویش استفاده نموده است .

امضای قرار داد ۱۹۱۹ در راولپندی و ۱۹۲۱ در کابل نشان میدهد که اگر موضوع دیورند را دیگران یک یک بار امضا کرده ایشان دو بار امضا کرده اند.

با یک نتیجه گیری مختصر میتوان با صراحت گفت که این اعلان استقلال هم نتوانست افغانستان را به استقلال واقعی برساند، چنانچه اگر در نه (۹) سال سلطنت امان الله خان خود را مستقل حساب نماییم بعد از آن یکبار دیگر عملا کشور ما به یک مستعمره تبدیل شد، حکومت شاهی نادر شاه و بعد از آن پسرش و عصر داود خان و کمونیست های بی وطن و تا ایندم که ظاهراً ما مستقل خطاب می شویم ، روزی را بنام احیا و استرداد استقلال جشن می گیریم ، انتخابات برگزار می کنیم و امثال اینها....

آیا با ترجمه و توضیحی که از استقلال به عمل آمد ما مستقلم ؟ با صراحت باید بگوییم که در شرایط فعلی سخن از استقلال گفتن ، افغانستان را مستقل خطاب کردن و روزی را به عنوان روز استقلال تجلیل کردن طنزی است آمیخته با یک تراژدی خونین . در حالیکه تعیین سرنوشت ما ، امضای قرار داد ها و روابط ما با دنیای خارج همه وابسته به نظریات دیگران است ، ما چگونه کشور خود را مستقل خطاب نماییم ؟

امروز افغانستان نه تنها در بعد سیاسی بلکه در همه ابعاد زندگی وابسته به دنیای خارج است و اینجا سخن گفتن از استقلال معنی ندارد.

عصر تیمور شاه پسرش که پایتخت مملکت را به کابل منتقل ساخت نیز عصر مستقل بودن کشور در امور داخلی و خارجی بود. اما بعد از فوت او کشور دچار بحران گردید ، اختلاف شهباده ها بر سر قدرت ، افغانستان را به حکومت های ملوک الطوایفی تبدیل کرد و هرکدام بخاطر بدست آوردن قدرت حلقه غلامی کشوری را به گردن آویختند.

جنگ های اول و دوم با انگلیس حاصل بوالهوسی های حکام وقت بود که کشور را نهایتا گرفتار تجزیه از چند جناح گردانید که مناطق غصب شده همچنان از پیگر افغانستان جدا هستند. معاهدات امضا شده توسط عبدالرحمن خان و پسرش حبیب الله با انگلیس ها لکه های ننگینی است در دامن تارخ کشور ما . استعمار انگلیس هرآنچه خواست بوسیله نوکران خود ش در این کشور تحمیل کرد. حتی با آثار فرهنگی این کشور مبارزه کردند، تخریب مصلاي بزرگ هرات بوسیله عبد الرحمن خان که به دستور انگلیس صورت گرفت ، عمق کینه و عداوت انگلیس را نسبت به افغانستان و حماقت شاه خائین این کشور را نشان میدهد . واما! خوب است که در همین مختصر هم به منظور جلوگیری از پراکندگی باقی مطلب را از دید سیاسی ادامه دهیم .

برای هر فرد و انسانی و یا جامعه ای استقلال به عنوان یک ارزش مطرح است و از آن پاسداری و حمایت می کنند و برای کسب آن تلاش نموده و چه بسا دیده شده که در این جهت قربانی های بیشماری هم داده اند.

وقتی به نظریات علما و دانشمندان رجوع کنیم فقدان استقلال را نشانه ذلت و زبونی و وجود آثرا مایه عزت و سربلندی میدانند و اینکه ما استقلال را بعد از مختصر توضیحی تنها از لحاظ سیاسی تحت فوکس قرار دادیم به این دلیل که کلیه قوانین یک کشور اعم از اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و.... تحت نظر سیاست شکل می گیرند و معمولا قوانین یک کشور توسط بزرگان سیاست آن کشور تدوین می شود.

و استقلال سیاسی در کل به این معنی است که یک ملت میخواهد برای خودش تصمیم بگیرد و در کلیه امور داخلی و خارجی خود اشراف داشته باشد.

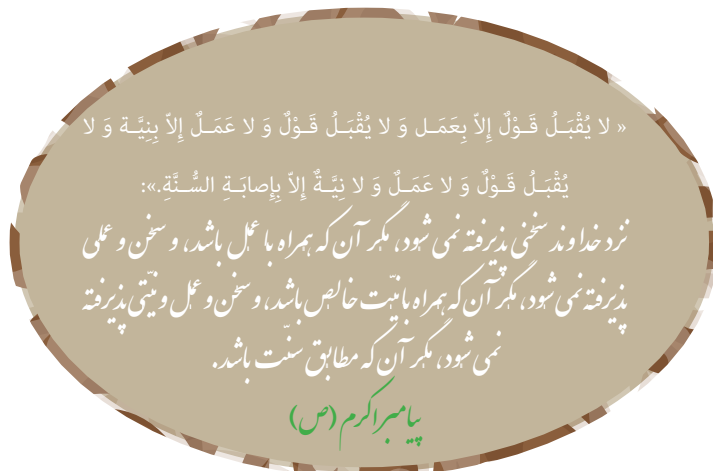
با این توضیح وقتی به تاریخ نگاه کنیم افغانستان در گذشته ها یا قبل از اعلان استقلال از این مزایا برخوردار نبوده و دیگران برایش تعیین سرنوشت می نمودند.

بعد از اعلان استقلال:

وقت حبیب الله کشته شد و امان الله پسرش تاج و تخت راتصاحب کرد، نخستین اقدامش اعلان استقلال بود که با شمشیر برهنه به حضور مردم آمده و افغانستان را کشور مستقل در امور داخلی و خارجی اعلان نمود، و در همان مجلس نماینده انگلیس را مخاطب قرار داده وگفت: که به مرکز خود اطلاع بدهد.

سوال اینجاست که آیا ما بعد از این اعلان صاحب استقلال شدیم یانه ؟ آیا با کوتاه شدن دست انگلیس دیگر دستی به سرنوشت ما و مملکت ما دراز نشد؟

آیا امان الله شاه تعهداتی را که با مردم داشت



صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان (حامی)	
مدیر مسؤول: غلام علی صارم	0748827900
سر دبیر: محمد عیسی سروش	0791549856
گزارشگران: حامی	
گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجنیر فلاح، فرهاد محض یار	
طراح: محمدشفیع علیزاده	0784845674
نشانی: کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست راست خانه سوم	
نشانی برقی: info@uaimp.com	
Web: www.uaimp.com	

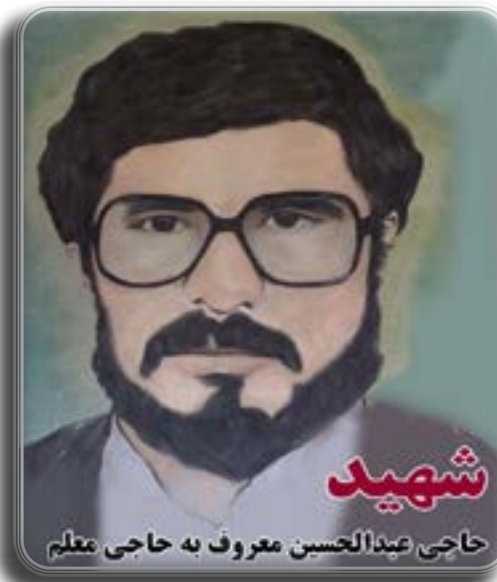
شماره مسلسل شصتم

چهارشنبه ۳۰ میزان ۱۳۹۹ * ۲۱ October ۲۰۲۰

زندگی نامه

شهید عبدالحسین معلم مشهور به «حاجی معلم»

فرمانده شهید عبدالحسین معلم مشهور به (حاجی معلم) رئیس شورای ولایتی غزنی و مسئول پایگاه پنج قره باغ ولایت غزنی



بود، وی در عرصه جهاد و مبارزات جهادی

ملت مسلمان افغانستان زحمات زیادی را

متحمل شده و تلاش کوشش فراوان را انجام

میدادند فرمانده شهید از جمله برادران جهادی

بودند که جهاد را در آن ساحه شروع و اہمیت

اسلامی را به جهاد تشویق می نمودند فرمانده

شهید در رابطه به گسترش دستورات اسلامی و

معارف انسان ساز اسلام فعالیت چشم گیری داشتند که این همه فعالیت های شان خشم دشمن و منافقین را برانگیخته

و بالاخره با توطئه خائناندگان تحت نام صلح در اہنای غار صبح در سال ۱۳۶۶ به شہادت رسیدند.

روحش شاد و یادش گرامی باد!

خدا یا!

درد دل دارم به همراه ات

تو میدانی؟

که من هرشب با ترس میخوابم!

از اینکه خانه ی ویران و سقفی زیر رو آید

از اینکه مجلسی ویران و مشتی بر دہان آید

خداوند!

تو میدانی که من هرشب تمام شب در آن فکرم

که روزی دوستانم را جزء از بیکسان آیم

و قدری آن طرف تر

جوانانیکه اندوه به سر دارند و لیک با جبر می آیند

شکایت ها از این دارند

منم انسان تو هم انسان، چه فرق است در میان ما؟

خداوند!

تو وقتی آفریدی انس را آیا نگفتی که، به جزء تقوا میان هیچ یک فرقی

نخواهد بود؟

و لیک این مردم نادان همه در فکر آن باشند که پول را از کجا آرند؟

لباس فقر را هرگز به جسم خود نپندارند!

همین است واژه انسان؟

همین است واژه اسلام؟

خدا یا یاری مان کن؟

از این ذلت، از این خواری، از این فکر های ناحق بر حذر گردیم

که بعد انسان شویم و بنده معبود بی همتا!

نیایش نامه از

سرسل احمدی

بررسی استراتژی های دودبه اخیر آمریکا در افغانستان

زهرا احمدی

موجب سرایت بی-ثباتی به جمهوری های آسیای مرکزی و گسترش فعالیت گروه-های تروریستی (عمدتاً چینی و قفقازی) خواهد شد. این نگرانی به خصوص با اعلام خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و احتمال گسترش ناامنی-ها شدت یافته است و کرملین همواره بر خروج مسئولانه آمریکا از افغانستان تأکید دارد. به نظر می-رسد وجود دولتی (با هر قومیت و ترکیب) که بتواند از بروز و سرایت هر گونه ناامنی به کشورهای خارج نزدیک روسیه جلوگیری نماید، مورد حمایت مسکو است. بنابراین روسیه نیز از حل بحران سیاسی موجود در افغانستان

و برگزاری مذاکرات

بین-افغانی با

هدف تعیین

تکلیف آینده

سیاسی این

کشور

حمایت

می کند

و برای

میانجیگری

میان افغان

ها آماده است.

۴-۵ چین

پس از حمله آمریکا به

افغانستان در سال ۲۰۰۱، هر چند حضور نظامی آمریکا در نزدیکی مرزهای چین مطلوب پکن نبود، اما به دلیل مبارزه آمریکا با گروه-های تروریستی بعضاً ضد چینی در افغانستان، چین از حضور آمریکا در افغانستان و پرداخت هزینه-های گزاف جانی و مالی ایالات متحده منتفع گردید. چین نیز به مانند روسیه از ناامنی و بی-ثباتی در افغانستان استقبال می-کند، چرا که این موضوع، موجب ضربه زدن به منافع اقتصادی پکن و نیز تهدیدات امنیتی ناشی سرایت ناامنی-ها از افغانستان به سین-کیانگ می-شود. به همین دلیل بود که چین در روند شتفیع طالبان برای حضور در گفتگوهای صلح و پیشبرد آن به نقش-آفرینی پرداخت. پس از امضای توافقنامه صلح طالبان و آمریکا، پکن که این توافق-نامه را بیشتر در راستای منافع خود آمریکا ارزیابی می-کند، بر خروج مسئولانه آمریکا از افغانستان تأکید داشته است و نسبت به تبعات ناشی از این خروج هشدار داده است. پکن با آگاهی در خصوص روند پیچیده گفتگوهای بین-افغانی، نگاه خوشبینانه به این گفتگوها ندارد و از احتمال برهم خوردن روند صلح میان افغان-ها و وخامت اوضاع امنیتی افغانستان نگران است. هر چند روابط استراتژیک پکن و اسلام-آباد در پرتو ارتباط پاکستان با طالبان می-تواند به طور غیرمستقیم به نفوذ چین در افغانستان کمک کند. به نظر می-رسد چینی-ها تمایل داشته باشند که وارد میدان بازی افغانستان شده و هزینه-های گزاف پردازند، بلکه بیشتر خواهان روند چندجانبه-با حضور کشورهای منطقه و نیز نهادهای بین-المللی مانند سازمان ملل هستند.

انتهای مطلب

دکترای روابط بین الملل